

يك شهر باستانی یونانی در آسیای مرکزی*

پل بونارد

ترجمه هاجر خان محمد

از یادگارهای فتوحات اسکندر در ایران، قلمرو سلطنت یونانی در محلی بود که امروز افغانستان خوانده می‌شود. اخیراً يك گروه باستان-شناس فرانسوی طی پانزده سال نجسس و کاوش توانست یکی از شهرهای این قلمرو را به نام «آی خانم» از زیر خاک بیرون آورد.

اسکندر بزرگ (۳۵۶ - ۳۲۳ قبل از میلاد) همیشه به عنوان آزادکننده شهرهای یونانی آسیای صغیر، رهایی بخش مصر و فاتح امپراطوری پیشین ایران، یعنی قلمرو داریوش سوم، معروف بوده است. ولی در هیچ جا نشنیده ایم بگویند و بنویسند که فتوحات اسکندر در قلمرو ایران، او را به سمت شرق و به آسیای مرکزی رسانید و در نتیجه، يك دولت یونانی (هلنی)، در دره آمودریا (جیحون) به وجود آمد. در قرون دوم و سوم قبل از میلاد، این نگهبانان تمدن یونان، سرزمین‌هایی را تحت استیلا در آوردند که امروزه در جمهوری‌های ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان شوروی و در افغانستان و پاکستان واقع است. با این حال غیر از ضرب سکه و آن چه از این سکه‌ها بجا مانده، که مبین سلسله‌های پادشاهی یونان می‌باشد، هیچ مدرک دیگری از این مستعمره‌نشینان یونانی بجا نمانده است. برخی از محققین حتی به آن به عنوان سراب یونانو - باکتریایی متوسل می‌شوند.

حفاری‌های انجام شده در يك شهر باستانی قسمت افغان‌نشین در مرز بین افغانستان و شوروی به تمام شك و تردیدهای موجود در مورد باکتریانای یونانی خاتمه داد. پانزده سال فعالیت در این منطقه - آی خانم - توسط يك گروه باستان‌شناس فرانسوی نشان داد که يك دولت یونانی، برای مدت دو قرن در دره جیحون - یعنی ۵۰۰۰ کیلومتر دور از مهد تمدن یونانی - شکوفایی داشته است.

در میان مشتی حقایق بجا مانده تاریخی در مورد این سرزمین پادشاهی واقع در

* Scientific American, Jan. 1982, P. 126

آسیای مرکزی، می‌توان این مطلب را گفت که قبل از فتح یونان، اینجا يك منطقه فرزی ایران بوده است. ۲۵ سال پس از مرگ اسکندر، یکی از هم‌زمانش به نام «سلوکوس» قسمتی از امپراطوری سابق اسکندر را که از شام به هندوکش می‌رسید و شامل ناحیهٔ مقدم باکتریانا می‌شد، تحت سلطه آورد. از «هزار شهری» که باکتریانا از مشهورترینشان بود، آی خانم تنها شهری است که کشف شده است. این شهر یا توسط خود اسکندر و یا سالها بعد توسط سلوکوس که تا ۳۰۵ قبل از میلاد عنوان حاکم به خود می‌داد، تأسیس گردیده است.

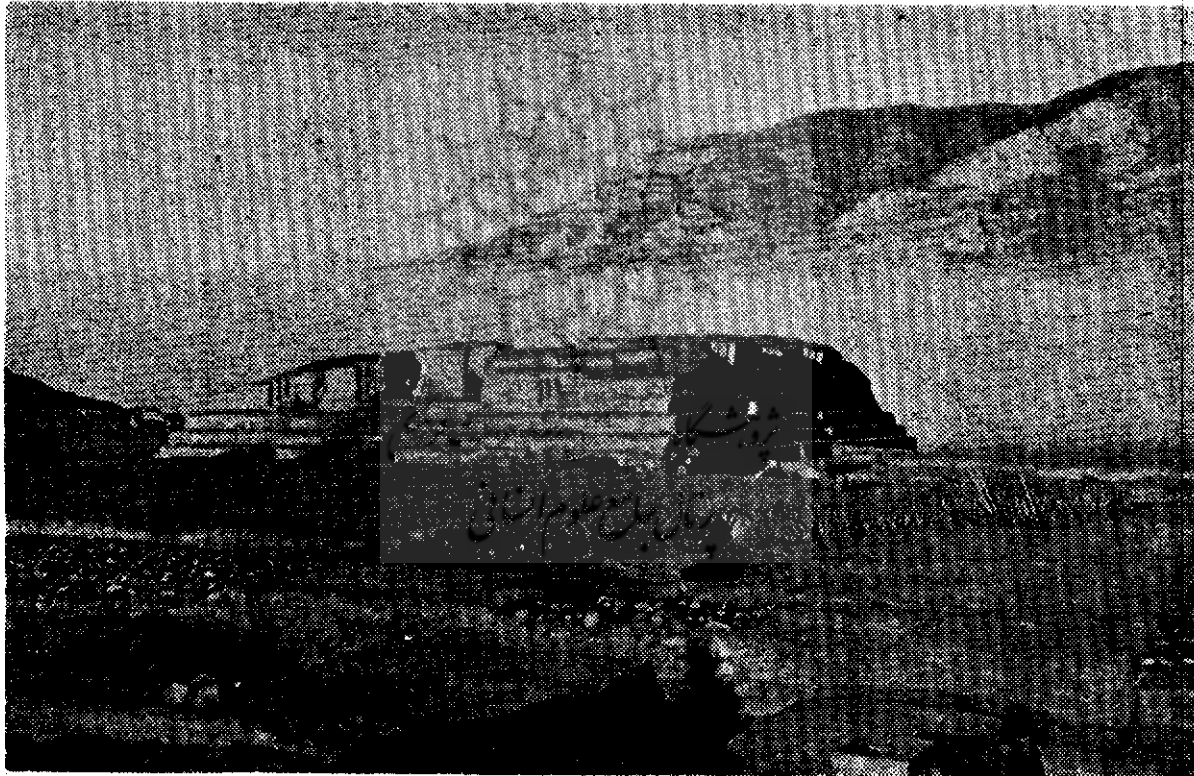
تحت حکومت سلوکی‌ها در نیمهٔ دوم این قرن، باکتریانا در تماس مستقیم با دنیای مدیترانه قرار گرفت. هجوم مهاجرین به این منطقه، هم باعث افزایش جمعیت یونانی آن و هم هجوم تفکرات یونانی (هلنیستی) در فرهنگ آن گردید. تقریباً در سال ۲۵۰ قبل از میلاد که در پی تهاجمات متعدد، سرزمین سلوکی‌ها اشغال شد و ساکنانش به سمت غرب



دیوارهای فروریختهٔ حصار قصر را در آی‌خانم در شکل بالا می‌بینید، روی آجرها اثراتی از گل رس سفید شده را مشاهده می‌کنید. این‌ها ساختمان‌های اداری است که در گوشه‌ای به وسعت ۲۰×۲۰ جریب ساخته شده است.

کشیده شدند، کم کم باکتریانا جدا شد و یک پادشاهی مستقل را به وجود آورد. دولت یونانو - باکتریایی که ابتدا به سرزمین‌های اطراف جیحون محدود می‌شد، بعدها به سمت جنوب گسترش یافت و مرزهایش سرزمین‌های حاصلخیز دره‌ علیای سند را دربر گرفت.

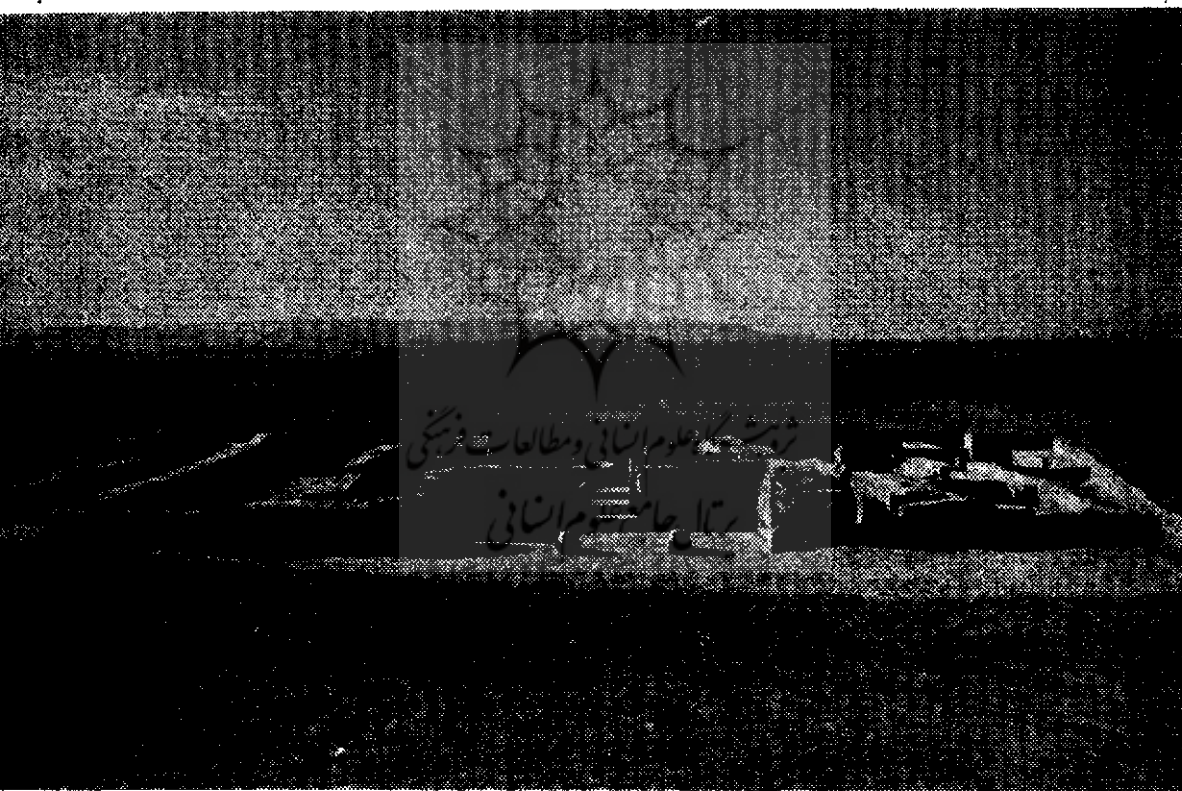
گرچه چنین گسترشی در تسلط فرهنگ یونانی، مطلبی افسانه‌ای به نظر می‌رسد، ولی این سرزمین مورد حمله‌ دائمی مردم بدوی بود که در مرزهای شمالی آن سرگردان بودند و در حدود سال ۱۵۰ قبل از میلاد، یونانیان ساکن آی خانم بر اثر حمله‌های مهاجمین بدوی از سرزمینشان رانده شدند و پیش از سال ۱۰۰ قبل از میلاد، تمام قسمت‌های آسیای مرکزی یونانی در دست مهاجمین بود. امارات یونانی هندوکش علیا می‌توانست طی مدت چند دهه، مهاجمین را به عقب راند، ولی خودبالاتر به مجبور به تسلیم شد. و به این ترتیب، دیگر هلنیسم از سمت باختر قادر به گسترش نبود.



در این شکل معبد اصلی را که روی یک سکوی سه‌پله واقع شده است می‌بینید. این معبد در خارج خیابان اصلی ساخته شده بود. فرو رفتگی‌ها (طاقچه‌ها) عمیقی دیوارهای ضخیم آن را تزئین کرده است. زمان گرفتن این تصویر کمی قبل از سحر می‌باشد. بخاری که سطح زمین را فرا گرفته از رودخانه‌ آمودریا برخاسته است.

ویرانه‌های آی خانم در ساحل سمت چپ رودخانه چیچون و در لبه شرقی دره میانی رودخانه قرار گرفته است. در این محل، رودخانه کوهستان را رها می‌کند و در اولین دشت وسیع سرراش جاری می‌شود و به شاخه دیگری از رودخانه به نام کوچا می‌پیوندد. این منطقه از جاده پررفت و آمد چیچون و از راه‌های کاروان‌رو بزرگ هند فاصله بسیاری دارد و کاملاً مناسب استقرار قرارگاه‌های نظامی است. اگر نیرویی در این منطقه مستقر شود، می‌تواند به سادگی مرزهای شرقی باکتریا را در دست گیرد و یک جاده تهاجمی مشرف به جنوب را، در طول ساحل چپ شاخه فرعی چیچون، در قسمت بالای شهر مسدود کند.

دشتی که در امتداد ساحل چپ چیچون و در قسمت بالای شهر آی خانم قرار دارد، دارای حدود ۱۰ کیلومتر عرض و ۳۵ کیلومتر طول است. حتی قبل از تأسیس شهر، این منطقه رسوبی حاصلخیز، با کمک شبکه نهرهای آبیاری، مشروب شده بود. به‌اضافه

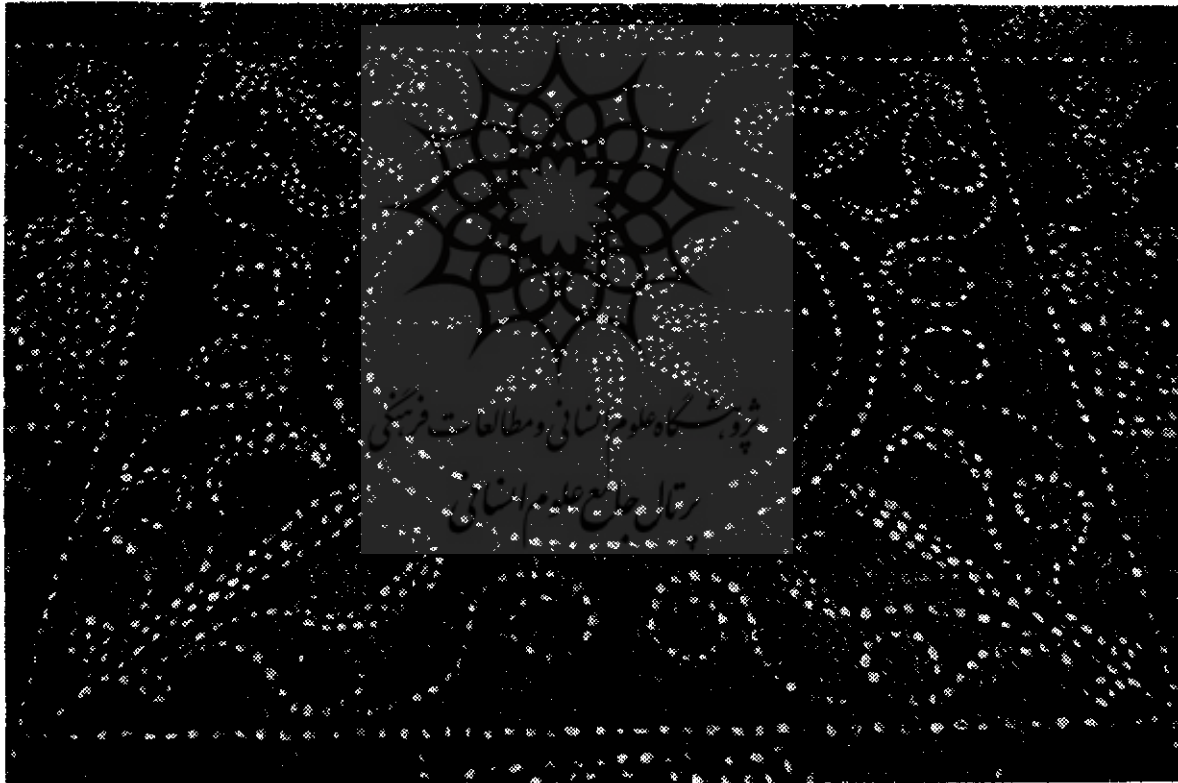


این تصویر، دیوارهای خانه یکی از ساکنان برجسته را در پائین شهر نشان می‌دهد. در مرکز این خانه یک فرورفتگی تعبیه شده که محل یک ایوان سکودار بوده است. در چنین خانه‌هایی که ۶۵ متر عرض و ۳۵ متر عمق داشت، سنت یونانی ساختن یک حیاط مرکزی، تبدیل به ساخت یک حیاط در مقابل خانه و یک اتاق نشیمن مرکزی گردیده است.

این منابع کشاورزی، نزدیکی محل به کوه‌های بالای رود، می‌بایستی منطقه مساعدی را برای چراگاه دام به‌وجود آورده باشد. کوه‌ها از نظر کانی‌ها نیز بسیار غنی هستند. مثلاً کانی‌های دره‌ علیای کوجا، منبع عظیم سنگ لاجورد است.

منطقه سه‌گوشه‌ای که در محل تلاقی جیحون و کوجا واقع شده بایستی از قبل برای تأمین نیازمندی‌های برنامه‌ریزان این شهر یونانی تدارک دیده شده باشد. یک ارگ طبیعی که حدود ۶۰ متر از سطح زمین ارتفاع دارد، ورودی شهر را از سمت شرق، مورد حفاظت قرار می‌دهد، و یک پرتگاه به‌سمت رودخانه، ساحل جنوبی و غربی منطقه‌ای را، که دو کیلومتر از شمال به جنوب و ۱/۵ کیلومتر از شرق به غرب کشیده شده، احاطه کرده است.

ساکنان شهر با محصور کردن آن، در برج و بارویی که در امتداد ساحل در رودخانه



در این شکل موزاییک کف یک حمام را در قصر می‌بینید که زمینه‌ای از سنگریزه‌های سرخ تیره در یک قالب گچی یا سیمانی دارد و از سنگریزه‌های سفید رنگی جهت تزئین موزاییک استفاده کرده‌اند. بسیاری از این اشکال با توجه به تناسب با محیط حمام عبارت بود از تصویر حیوانات آبی و موجودات افسانه‌ای که در اقیانوس می‌زیسته‌اند.

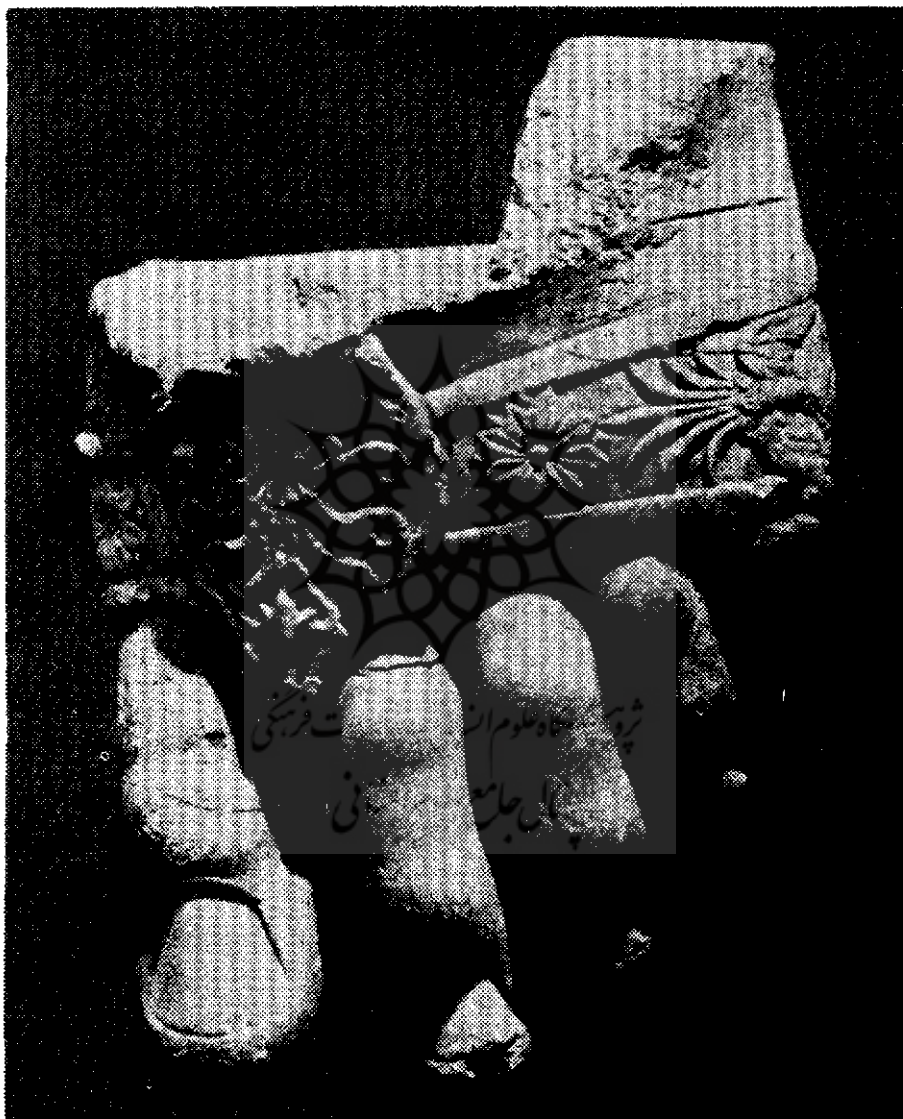
و به شکل سربالایی به طرف ارگ کشیده شده بود، این دفاع طبیعی را مستحکم تر ساختند. در امتداد حاشیه شمالی شهر، در قسمت پایین، که هیچ وسیله دفاعی طبیعی وجود نداشت، باروی شهر را به ویژه بسیار محکم ساخته بودند. این باروی خشتی و محکم بیش از ۱۰ متر بلندی و ۶ تا ۸ متر ضخامت داشت. در مقابل بارو، برج های سه گوشه ای به ارتفاع ۱۰ متر ساخته شده بود. در خارج این برج ها یک گودال وجود داشت که شهر را در مقابل حمله با منجنیق محافظت می کرد. بالاخره در گوشه جنوب شرقی ارگ نوعی استحکامات کوچک، ولی اساساً تسخیر ناپذیر ساخته شده بود که از ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر طول داشت. این استحکامات از دو طرف به وسیله یک پرتگاه ۸۰ متری به کوکچا و از طرف سوم به وسیله یک خندق حفاظت می شد.

مناطق مسکونی و اکثر ساختمان های عمومی شهر، در قسمت پایین این منطقه قرار گرفته بود که کمتر از خود قلعه، در جهت باد واقع بود و به راحتی توسط نهرهایی که در دشت احداث شده بود از نظر آب تأمین می شد. قسمت پایین شهر، که اساساً در اطراف قصر ساخته شده بود، ساختمان باشکوهی بود که وسایل و تجهیزات اداری شهر، در آن مستقر بود. بنابراین این ساختمان ها مشرف به خیابان اصلی بود که شهرسازان قرار بود آن را درپای ارگ بسازند. این خیابان از دروازه شهر در جهت شمال به جنوب و تا کناره های پرشیب بالای کوکچا ادامه داشت. این تشکیلات باعث می شد که ساختمان قصر در نیمه جنوبی شهر، منطقه ای بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ متر را در اختیار داشته باشد. یک جاده منحنی از طرف قصر به ساختمان اصلی کشیده می شد. در محل اتصال این دو، یک کاروانسرای قدیمی و تاریخی با دوسردر و نمای ستونی قرار داشت.



سکه نقره ای از باکتریانا را در این شکل می بینید که در یک طرف سر «شاه اوکراتیدس» (۱۷۰-۱۴۵ ق. م) روی آن حک شده و در طرف دیگر نقش دو قهرمان یونانی، کامیتر و پولاکس می باشد. مستعمره یونانی در پایان حکومت اوکراتیدس سقوط کرد.

از آنجایی که معماران یونانی تصویری از ساختمان و چگونگی بنای قصرها نداشتند، برای انتخاب مدل قصر، به ساختمان‌های سلطنتی که ایرانیان در زمان حکومتشان در اختیار داشتند متوسل شدند. این قصر نیز، همانند قصر داریوش در شوش، همزمان، محل سه نوع فعالیت بود. اولاً يك بنای دولتی بود، ثانیاً محل اقامت بود



پای مجسمه‌ای را در این شکل می‌بینید که صندل بپا دارد. این مجسمه یکی از چند مجسمه مقدسی است که در معبد اصلی یافت شده است. از این مجسمه آنقدر بجا نمانده تا بتوان تشخیص داد آیا متعلق به یک خدای مذکر یا مؤنث بوده است.

و ثالثاً مراسم تشریفاتی در آن انجام می‌شد. يك حیاط بزرگ که با چهار ایوان ۱۱۸ ستونی با سرستون‌های ناقوسی محصور شده بود، منطقه‌ای حدود ۱۰۸ تا ۱۳۷ متر را می‌پوشانید. آن سوی ایوان، در سمت جنوب حیاط يك هشتی (دالان) وجود داشت با سه ردیف ستون‌هایی که به مرکز کاخ منتهی می‌شد. در گوشه جنوب شرقی کاخ، ساختمان‌های اداری وجود داشت که قابل ذکرترینشان يك بنای چهار گوشه بود که در یک طرف ۵۲ متر طول داشت. داخل آن توسط دهلیزهایی که با زاویه قائمه یکدیگر را قطع می‌کردند، به دو گروه اطاق‌های قرینه تقسیم می‌شد. در سمت شرق ساختمان، دو تالار پذیرایی قرار داشت که دیوارهای آن بانیم ستون‌های سنگی چهار گوشه تزئین می‌شد. در سمت غرب آن بایستی دودنفر دادستانی وجود داشته باشد. در امتداد مرز غربی زمین کاخ، يك حیاط کوچک با ایوان‌های ۵۰ ستونی ساخته شده بود که دسترسی به تشکیلات اداری را ساده‌تر می‌کرد.

بناهای اندرونی که جمعاً سه دستگاه بود، گوشه جنوب غربی محدوده کاخ را شامل می‌شد. این ساختمان‌ها به سادگی از ساختمان‌های دیگر قصر تمیز داده می‌شد، زیرا هر يك علاوه برداشتن بخش‌های داخلی، شامل حمام و يك حیاط در مقابل ساختمان می‌شد. يك عده انبار (پستو) که حیاط مرکزی را احاطه می‌کرد در سمت غرب باروی کاخ قرار داشت، که نقش خزانه جواهرات را ایفا می‌کرد. نقشه این ساختمان‌ها از ایده‌های یونانی (هلنیستی) مایه نگرفته بود. ظروف مخصوص انبار، که در این قسمت یافت شده همراه با خرده سنگ‌ها، مرواریدها، تکه‌های ضخیم و صیقل شده عقیق، سنگ‌های بابا-قوری (عقیق)، عقیق جگری و سنگ لاجورد، باقوت کبود و بلورها مبین این مطلب است که این انبارها بایستی خزانه جواهرات بوده باشد.

این مجموعه ساختمان‌ها که روی هم مساحتی حدود ۹۰ هزار متر مربع را اشغال کرده (یعنی بیش از ۲۰ جریب)، باشکوه‌تر از آن است که شخص از يك سرزمین دور- افتاده انتظار دارد. بزرگی محل، این تصور را پدید می‌آورد که بایستی قصر باشکوه و سلطنتی بوده باشد. آی خانم نیز به نوبه خود بایستی يك پایتخت بوده باشد و در شرق باکتریا همان نقشی را داشت که شهر معروف بلخ (باختر)، در غرب داشته است. نشانه این امر را می‌توان وجود ورقه‌های مفرغی که برای ضرب سکه‌هایی که هنوز کاملاً شناسایی نشده است دریافت. این سکه‌ها نشان می‌دهد که آی خانم دارای ضربخانه‌ای نیز بوده، یعنی يك امتیاز ویژه سلطنتی داشته است.

چه کسی در این جا حکومت می‌کرد؟ دلایلی وجود دارد آخرین ساکن و صاحب قصر اوکراتیدس (Eucratides)، پادشاه معروف (۱۷۰ - ۱۴۵ قبل از میلاد) بوده که

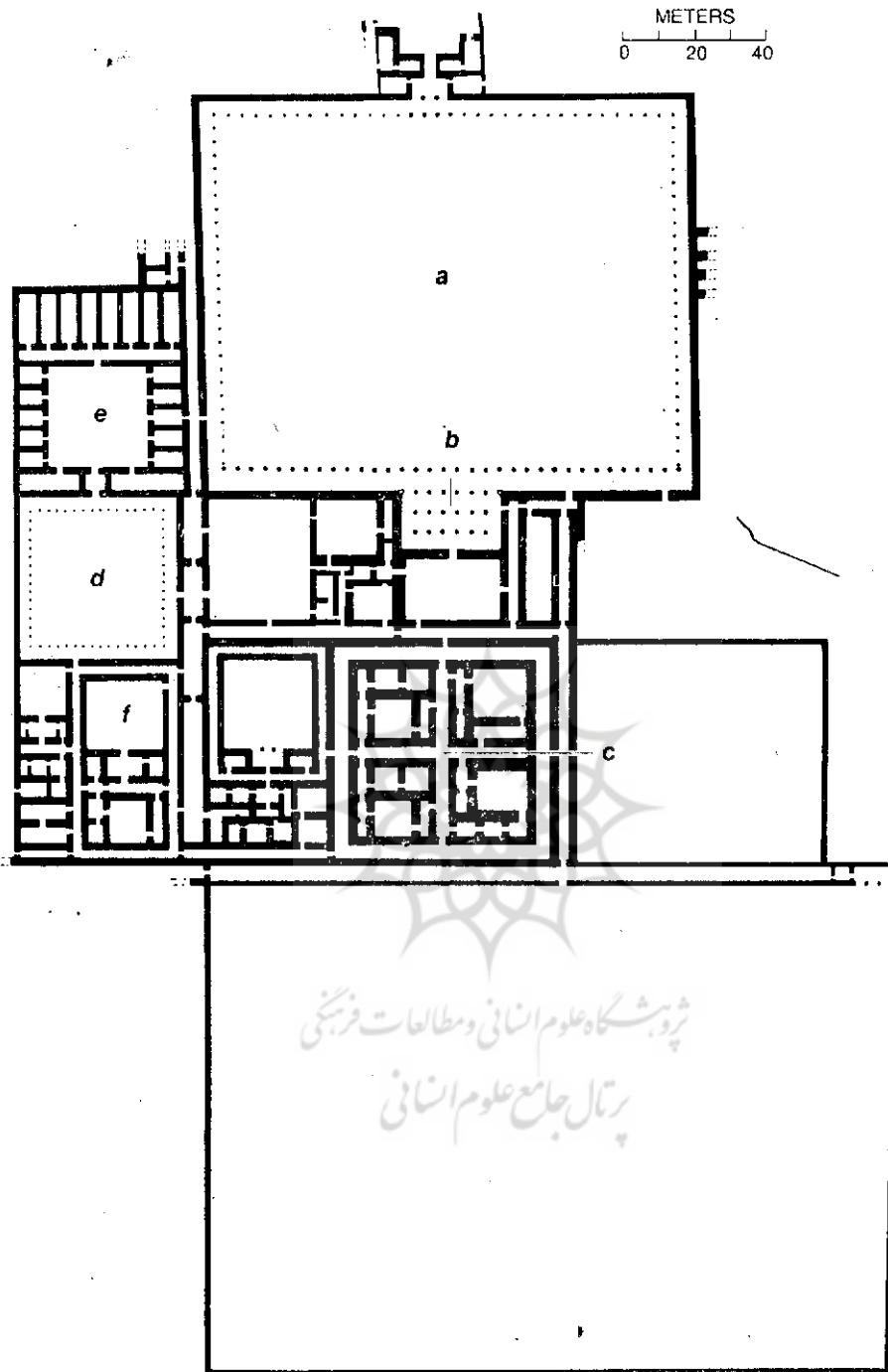
مبارزات پیروزمندانه‌ای در شمال غربی هند انجام داده بود. اگر این مطلب درست باشد، پس خزانه جواهرات آی خانم بایستی زمانی صاحب ثروتی سرشار از سکه‌های هندی و دیگر غنایم با ارزش بوده باشد. شواهدی از جمله ظرف‌های متعددی دال بر این موضوع یافت شده است. این ظروف اکنون خالی است، ولی علایمی یونانی دارد که با جوهر روی آن‌ها حک شده و نشان‌دهنده محتویات قبلی آن‌هاست. این محتویات شامل ذخیره‌هایی از پول‌های هندی و یونانی بوده که پس از این که برای اطلاع عموم شمرده می‌شد، در آن‌ها انبار می‌گردید. از این جا می‌توان نتیجه گرفت که ممکن است آی خانم همان بوده باشد که اوکراتیدس به افتخار نام خود، اسم اوکراتیدیا (Eucratidia) را بر آن نهاد. این نام در آثار نویسندگان عهدباستان نیز دیده شده است.

هر قسمت این کاخ و تزئینات با شکوه آن، نمایشگر ویژگی‌های اصلی معماری یونانو - باکتریایی است. این ویژگی‌ها شامل دیوارهایی خشتی است (در موارد معدودی از آجر استفاده می‌شد) که روی آن را با لایه‌ای از گل‌رس و سپس گچ می‌پوشاندند. سقف صاف ساختمان به ویژه شرقی می‌باشد، ولی حاشیه‌ای از سفال‌های تزئینی (آجرهای سرخ)، نمایی یونانی به آن می‌دهد. تزئینی که از ستون‌های سنگی استوانه‌ای و سه گوشه در آن به کار رفته، اثر یونانی (هلنیستی) ساختمان را می‌رساند. خست در استفاده از سنگ‌های ساختمانی اعلا در آسیای مرکزی، باعث شده که این نوع سنگ‌ها جزء مصالح ساختمانی و تجملی به شمار آید. در آی خانم ستون‌هایی که به تعداد زیاد ساخته شده، همراه با سنگتراشی‌ها، سه صورت معماری سنتی یونان را به وضوح نشان می‌دهد. این سه عبارت بوده است از سبک ساده دوریک^۱، سبک کله‌قوچی^۲ و ناقوسی^۳. اگر قسمت‌های مختلف قصر

۱. دوریک یا سبک دوریایی = قدیم‌ترین سبک معماری در یونان باستان، در قرن هفتم قبل از میلاد است. این شیوه شکل مشخص و قیاطمی به خود گرفت و در قرن پنجم پیش از پیش تکامل یافت. ستون‌های دوریک یونان دارای پایه‌ای جداگانه نیست. بدنه آن معمولاً ۲۵ شیار دارد و سرستون‌ها ساده است.

۲. ایونیک یا سبک یونانی یا کله‌قوچی = این سبک شامل یک پایه و سرستونی با چهار آویز پیچ خورده به شکل شاخ قوچ بوده است. این آویزها تقریباً موازی گچ‌بری‌های کوزی بوده که در هر طرف ستون تعبیه می‌شده است.

۳. ناقوسی یا کورنتی = پرزروزیورترین سبک در معماری کلاسیک است که در اواسط قرن چهارم قبل از میلاد بارور شد. نمونه‌هایی از این سبک در آتن به دست آمده است. معبد زئوس در آتن نیز به این سبک ساخته شده. منشأ سرستون‌های این سبک ناشناخته است. کالیماخوس، مجسمه‌ساز را پایه‌گذار سرستون کورنتی دانسته‌اند. به سبب برگ‌ها و ریزه‌کاری‌های ظریف سرستون‌های کورنتی، چنین می‌پندارند که این قبیل سرستون‌ها در اصل الگویی فلزی داشته است.



ساختمان قصر: این ساختمان شامل یک حیاط رسمی بزرگ (a)، با یک راهرو (b) بود که از طریق آن می‌شد به ساختمان‌های اداری دسترسی یافت. مهم‌ترین این ساختمان‌ها عبارت بود از یک بنای چهارگوشه که قسمت داخلی آن توسط دهلیزهایی به دو گروه اتاق‌های قرینه تقسیم می‌شد. این دو دهلیز بایک زاویه قائمه به هم می‌رسیدند و دوتالار پذیرائی در سمت راست و دودفتر را درست چپ ایجاد می‌کرد. حیاط کوچکتر (d)، دارای تجهیزات نسبتاً غیررسمی‌تری بود. در آن سوی حیاط و در یک طرف آن خزانه‌ای با چندین انبار در اطراف یک حیاط مرکزی قرار داشت (e)، و در جهت دیگر حیاط، یکی از سه ساختمان اندرونی واقع بود.

را بایکدیگر در نظر گیریم، می‌توانیم خصوصیات هندسی دقیق نقشه‌ها و رغبت معماران را به رعایت تقارن ببینیم. این تقارن تاحدی است که شکوه و جلال بی‌روحو به‌قصر می‌دهد.

اهمیت آی‌خانم، بیشتر از طریق دیگر ساختمان‌های عمومی شهر مشخص می‌شود. سه پنارا به‌عنوان نمونه ذکر می‌کنیم. اول ورزشگاه یازورخانه است که در ساحل جیحون ساخته شده است. از کتیبه‌ای که یافت شده، می‌توان فهمید که این مرکز آموزشی (ورزشی) تحت حمایت دو گانه هرمس (Hermes) و هرکولس (Hercules) بوده است، ساختمان اصلی این ورزشگاه چهار گوشه بود که هر ضلع آن ۱۰۰ متر طول داشت و طرح و نقشه آن اصلاً یونانی بود. در اطراف حیاط مرکزی یک ردیف اطاق‌ها و رواق‌ها (ایوان‌ها) ساخته شده بود. در عین حال اندازه و تقارن خشک و غیر قابل انعطاف چهار وجه آن، که هر یک دارای یک ایوان ستون‌دار بادو اطاق دراز در کنارش بود، ابتکارات صرفاً یونانو با کتریایی را نشان می‌داد.

بنای عظیم دیگر نیز، که اساساً از نظر طرح یونانی به حساب می‌آید، تماشاخانه‌ای است که سرایشی داخل ارگ را ادامه می‌دهد. ۳۵ ردیف صندلی‌های آن روی محوطه‌ای نیم‌دایره شکل، باشعاعی حدود ۴۲ متر قرار گرفته و گنجایش آن که تخمیناً به ۶۰۰۰ نفر می‌رسد، خیلی بیشتر از گنجایش بابل، یعنی تنها تماشاخانه‌ای است که از دوران یونان باستان (هلنیستی) در خاور میانه کشف گردیده است. در اکثر این ساختمان‌های یونانی رنگ و بویی شرقی به چشم می‌خورد. در نیمه راه سراسیمه، سه ایوان سرپوشیده وسیع وجود دارد، این محل‌ها مخصوص افراد خیلی مهم بوده است. چنین محلی در تماشاخانه‌های یونانی هرگز وجود نداشته است.

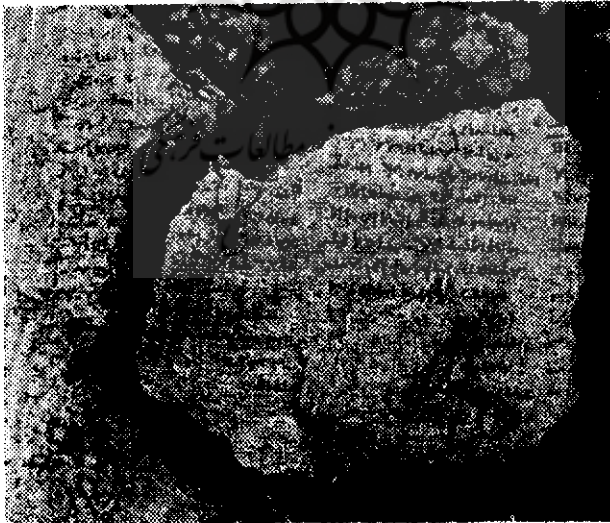
سومین ساختمان بزرگ، برخلاف دو ساختمان دیگر، هیچ ارتباطی با سبک‌های یونانی ندارد و آن عبارت است از یک اسلحه‌خانه، که به صورت یک بنای سه گوشه در خیابان اصلی شهر واقع است. طول این بنا به ۱۴۰ متر و عرض آن به ۱۰۰ متر می‌رسد و دارای یک ردیف انبارهای دراز است که به یک حیاط مرکزی باز می‌شود.

بهترین قسمت شهر، یعنی بخش مسکونی آن، حدوداً در محل ارتباط دورودخانه واقع بود. خانه‌ها از چنان تجملی برخوردار بود که ساختن بیش از ۵۰ خانه در خیابان‌های فرعی شهر، نامناسب می‌نمود. این خانه‌ها در فاصله‌های منظمی به موازات خیابان‌ها، از شرق به غرب کشیده شده بود. خانه‌ها رو به شمال ساخته شده بود و هر یک دارای یک ایوان با سقف تاقدیس در جلو و یک حیاط می‌شد و هر یک محوطه‌ای بین ۳۵ تا ۶۰ متر را اشغال می‌کرد، در جایی که خانه‌های سنتی یونانی در اطراف یک حیاط مرکزی قرار داشت.

در این خانه‌ها که مخصوص افراد متشخص بود، اتاق نشیمن بر تمام خانه مسلط بود. این اتاق توسط يك راهروی نعل اسبی شکل، از بقیه اتاق‌ها، به‌ویژه از قسمت‌های داخلی مجزا می‌شد. حیاط که دیگر مرکزیت نداشت، به اتاق نشیمن دسترسی داشت، ولی راهی به محل کار نداشت.

افراد برجسته آی خانم، برای حمامشان ارزش فراوانی قایل بودند. هر حمام به دو یا سه بخش تقسیم می‌شد. دیوار آن را با گچ قرمز رنگی می‌پوشاندند و کف آن را با سنگ یا موزائیک‌هایی از جنس سیمان و سنگریزه فرش می‌کردند. (اتاق‌های دیگر دارای سقفی از جنس زمین آن بود). قسمت اول این سه بخش رخت‌کن بود. قسمت دوم محل استحمام بود، یعنی جایی که شخص بدون استفاده از وان، و با کمک آبی که از ظرف بزرگی می‌ریخت، استحمام می‌کرد. آب سرد و گرم از اتاق سوم می‌آمد. يك بخاری در آشپزخانه مجاور، برای گرم کردن آب تعبیه شده بود.

طبق سنن یونانی، بیشتر اجساد را در خارج باروی شهر دفن می‌کردند. افراد برجسته را در مقبره‌های خانوادگی یا طاق‌نماهایی که دو طرف يك گذرگاه مرکزی را می‌پوشاند، دفن می‌کردند. به هر حال، مستعمره‌نشینان با يك سنت دیگر یونانی نیز آشنا بودند و آن عبارت بود از این که اجازه داده می‌شد که بانیان شهر در داخل باروی شهر دفن شوند. این امتیاز فقط به دو شهروندی اعطا شد که مقبره‌شان نمونه‌ای از معابد بود و نزدیک دروازه قصر قرار داشت.



اثر جوهر یک کتیبه یونانی را در این تصویر می‌بینید که قسمت بیشتر این کتیبه از بین رفته است. این کتیبه روی کف یک خزانه جواهرات در محل خزانه‌داری قصر ینافت شده است. و این همان محلی است که احتمالاً به‌عنوان کتابخانه از آن استفاده می‌شده است. این متن و متن مشابه دیگری نشان می‌دهد که برجستگان یونانی شعر و فلسفه می‌خواندند.

مقبره‌هایی که بعداً ساخته شد و آن‌ها که بیشتر جنبه یادگاری داشت، در هر چهار جهت با ردیف‌هایی از ستون‌های سنگی ساخته شده بود. یکی از مقبره‌های ابتدایی و ساده‌تر دارای سردرهایی بود که با دو ستون چوبی ساده تزئین می‌شد و دارای نشانی از کینیا (Kineas) یکی از مؤسسين شهر بود. در مقابل ایوان این مقبره‌ها نیز يك ستون سنگی چهار گوشه قرار داشته است. خود ستون از بین رفته، ولی در اطراف پایه آن پنج اندرز از ۱۵۰ اندرزی که در معبد آپولون در دلفی (Delphi) وجود دارد حک شده و بجا مانده است. این کلمات قصار بیانگر حکمت ایده‌آل یونانی است. این فرامین می‌گوید، در کودکی رفتار نیک، در جوانی مهار کردن هوس‌ها، در بلوغ عدالت و رستگاری و در کهنسختی عقل بیاموز تا بدون تأسف رخت از جهان بر بندی. احتمالاً ستون از بین رفته حاوی تمام قسمت‌های کتیبه بوده است. نوشتن این کتیبه روی این ستون و در معرض دید عموم، شاهدی بر این مدعاست که مستعمره‌نشینان تمایل شدیدی به ابراز وفاداریشان به میراث گذشتگان داشته‌اند.

شواهد دیگری دال بر این مدعا در خرابه‌های دیگر آی خانم می‌توان مشاهده نمود. گرچه تعداد کتیبه‌ها زیاد نیست، ولی آن‌چه یافت شده نشان می‌دهد که ساکنین این منطقه سعی داشتند طی ۲۰۰ سال سکونتشان در آسیای مرکزی به زبان یونانی بنویسند و صحبت کنند. حتی در انواع نامه‌ها و سبک نامه‌نگاری که از ایشان بجا مانده چه به صورت خط تزئینی و تشریفاتی و چه به صورت خط عادی، مبین همان تکاملی است که در یادگارهای یونان نیز بچشم خورده است.

نمونه دیگری از این تکامل فرهنگی را می‌توان از یکی از خزانه‌های جواهرات به دست آورد که به همان صورت و به عنوان کتابخانه مورد استفاده قرار داشته است. چندین کتیبه و نوشته روی پاپیروس نیز از نظر مهاجمین بدوی به دور مانده است و گرچه خود نوشته مدت‌ها پیش از بین رفته و تبدیل به خاک شده، ولی اثر جوهر کلمات روی محل آن‌ها باقی مانده است و همین باعث شده که بتوان قسمت‌هایی از متن را ترجمه نمود. این قطعات نگاشته شده، شامل قسمتی از يك رساله فلسفی مکتب ارسطو و قسمتی از يك شعر یونانی است. به این ترتیب ملاحظه می‌کنید که این مستعمره‌نشینان در عین این که سعی در احیای بهترین سنت‌های یونانی داشتند، از خواندن آثار فلسفی و ادبی نیز غافل نبودند. این یافته‌ها رهنمودی است در مورد نظرات پلوتارک (Plutarch)، که قرن‌ها بعد به وجود آمد. و آن عبارت بود از این که پس از سفر آسیای اسکندر، ساکنان قلمرو شرق و حداقل اشرافیت حاکم، داستان‌های هومر را می‌خواندند و اطفالشان تراژدی‌های سوفوکل و اریپیدس را زمزمه می‌کردند. حداقل از يك سرفواره که به شکل ماسکی از يك آشپز برده یافت شده و آن را یکی از هنرپیشه‌های کمدی یونان به صورت خودمی زده می‌توان دریافت که نمایشنامه‌هایی که در تماشاخانه‌های آی خانم روی صحنه می‌آمد

از نمایشنامه‌های یونانی بوده است. این بدان معنی نیست که بگوییم همه آن‌ها که در شهر می‌زیستند از نژاد یونانی یا اخلاف آن‌ها بودند. بسیاری از اسامی که در کتیبه‌های یونانی یافت شده غیر از تعدادی نظیر لیزانیاس (Lysanias) از اسامی مقدونی و بعضی دیگر از اسامی متعلق به قسمت شمال یونان بوده است. یکی از این اسامی تریبالوس و دیگری کینیاس (Kineas) می‌باشد که مقبره دومی در نزدیکی دروازه کاخ قرار داشت. در بین محاسبانی که در قصر کار می‌کردند، افرادی با نام‌های محلی یافت می‌شدند، مانند اوکس بوکس (Oxe-boakes) و اکزو بازس (Oxubazes) که از نام مقدس رودخانه محلی آکسز (Oxus) گرفته شده بود.

واضح است که مالکان جدید با کتیریانا مصلحت می‌دانستند از وجود بورو و کرات‌های بومی که در دستگاه حکمرانان قبلی آموزش دیده بودند، استفاده کنند. می‌توان قبول کرد که آن‌ها همین استدلال را در مورد انتخاب کارگران محلی که دارای مقام‌های پست‌تر بودند نیز به کار می‌بردند. تعدادی از خانه‌های بسیار ساده يك اتاقه، که در جهت ارگ ساخته شده، متعلق به همان افراد محلی بوده است که به آن‌ها اجازه سکونت در قسمت پایین شهر داده نمی‌شد.

در مورد هنر، سلیقه مستعمره‌نشینان کماکان در همان محدوده هنرهای سنتی یونان باقی ماند، حتی تا حد ابدی کردن يك هنر و سبك كهنه و از مد افتاده. فرضاً سعی می‌کردند موزاییک‌ها را بیشتر در سنگریزه بسازند تا سنگ‌های چهار ضلعی و بریده شده. و این عمل را حتی بعدها که این گونه موزاییک‌ها معمول گردید نیز ادامه می‌دادند. نحوه ساخت این موزاییک‌ها به این شکل بود که در سطح وسیعی سنگریزه‌ها را با فاصله زهاد از هم می‌ریختند. در بسیاری از موارد برای زمینه از سنگ‌های سرخ استفاده می‌کردند و از سنگریزه‌های سفید برای طرح موضوع. گاهی اوقات برای اهمیت بخشیدن به موضوع از سنگ سیاه نیز استفاده می‌کردند. موضوع این طرح‌ها اغلب عادی و پیش پا افتاده بود، مثل دلفین‌ها، اسب‌ها و هیولاهای دریایی. از این گذشته نحوه کارشان بسیار ساده و فاقد عمق و حجم بود.

همین روش را می‌توان در بسیاری از مجسمه‌های یافت‌شده نیز مشاهده نمود، مثل مجسمه زنی که به يك ستون تکیه داده یا مردی که تاجی از برگ‌ها روی سرش دارد و يك اثر حجاری از مرد جوانی که ششل بردوش دارد. همان گونه که قبلاً گفته شد، مهارت و استادی فراوانی در ساخت این آثار به کار رفته است، ولی نحوه عمل بسیار ساده و ابتدایی بوده است. با این حال، مجسمه‌سازان یونانو - با کتیریایی را بایستی به خاطر نوآوری که در کارشان به خرج داده‌اند، با ارزش دانست. هنگام ساخت يك مجسمه باشکوه یا نقش کردن روی دیوار، تکنیکی را به کار می‌بردند که به تدرت در یونان دیده شده بود. آن‌ها ابتدا جدول‌هایی از میله‌های سربی یا چوبی می‌ساختند و سپس به وسیله خاک رس یا گچ،

روی آن مدل مورد نظر را پیاده می‌کردند.

طرح‌های مذهبی اغلب رنگ و بوی شرقی داشت. مثلاً مجسمه‌هایی که از سفال فرمز ساخته شده و یا درعاج حکاکی نموده‌اند. در این مجسمه‌ها خواسته‌اند، الوهیت زن یونانی را نشان دهند. این زن را یا کاملاً لباس پوشانده و با جواهرات زینت داده‌اند و یا کاملاً عریان و شهوات‌انگیزش ساخته‌اند. يك بشقاب نقره‌ای زراندود به دست آمده که حاوی کلماتی است دال بر اعتقادات مذهبی آن‌ها. در این اثر می‌توان، تأثیر اعتقادات محلی را نیز مشاهده نمود. در این بشقاب، نقش سیبل، الهه طبیعت یونان را می‌بینیم که سوار بر اراه‌ای است که شیرها آن را می‌کشند. کالسکهران او يك چهره مؤنث یونانی دیگر می‌باشد که احتمالاً همان الهه بالدار پیروزی است. در این صحنه دو کشیش نیز وجود دارند، خورشید (که به صورت رب‌النوع خورشید ظاهر شده است)، ماه و يك ستاره نیز در آسمان به چشم می‌خورد. عوامل پیکره‌سازی، اصلاً یونانی است، ولی نحوه کار هنرمند در ارتباط با قوانین مذهبی مشرق زمین می‌باشد. ترکیب، ساده و سطحی است، بدون هیچ گونه کوششی در جهت در نظر گرفتن پرسپکتیو. مجسمه‌هایی که می‌ساختند اغلب از سر یا نمرخ موضوع بوده است.

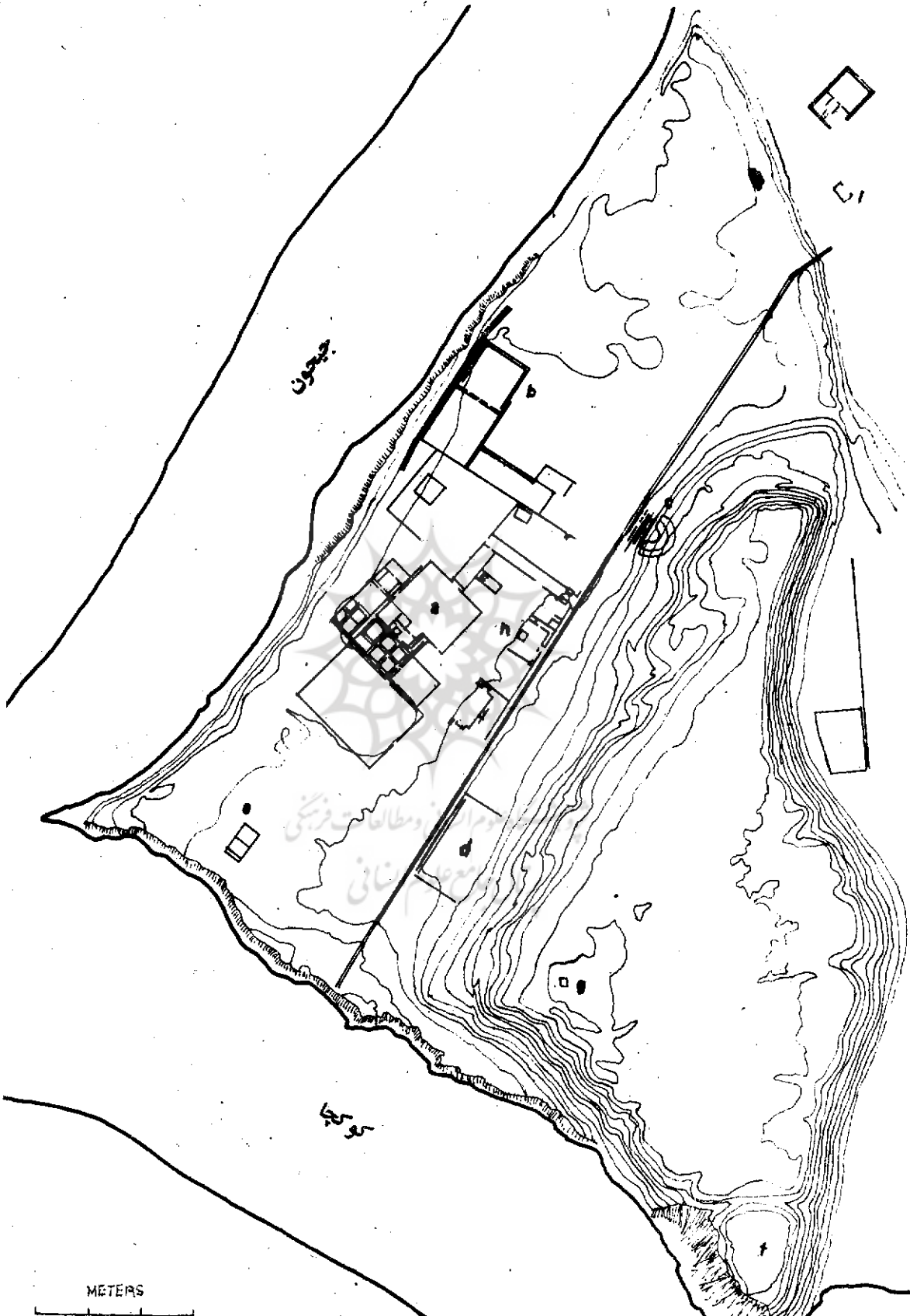
گرچه مجسمه‌های مذهبی و رسمی با کتیرانا، یا طرح‌هایی که در سکه‌ها به کار رفته، متعلق به معبد پانتئون می‌باشد؛ ولی سه معبدی که در آی خانم کشف گردیده است، اصلاً یونانی نیست. مثلاً از همه مهم‌تر بنای مربع شکل عظیمی است که روی يك سکوی سه



یک ماسک تئاتر را می‌بینید که به صورت سر فواره ساخته شده است. این مجسمه شکلی است از یک ماسک سنتی از یک آشپز برده که در کمدهای یونانی که احتمالاً در آی خانم اجرا می‌شده به کار رفته است.

پله در خیابان اصلی قرار گرفته است. سطح خارجی دیوارها با طاقچه‌هایی تزیین شده و داخل آن يك راهروی پهن به يك اتاق کوچکتر باز می‌شود و این اتاق محل نگهداری يك مجسمه مقدس بوده است. این اتاق پهلو به پهلوئی دو حجره باریک قرار گرفته است. از نظر معماری این ساختمان هیچ نشانی از سنت یونانی با خود ندارد. مدل سکو از طرح‌های ایرانی و آسیای میانه قرض گرفته شده است. طرح ساختمان و تزیین خارجی آن نیز از همان دو منبع به اضافه بین‌النهرین آمده است. ظرف‌های شراب (ساغرهایی) که در پای سکو دفن شده شاهدهی است بر این ادعا که شعایر مذهبی در این محل اصلاً یونانی نبوده است. تکه‌هایی از يك مجسمه مقدس احیا و تعمیر شده، ولی این تکه‌ها آن قدر نیست که بتوان از روی آن حدس زد، این خدای سنگی مرد بوده یازن - يك پای شکسته به دست آمده است که صندل به پا دارد، بنابراین می‌توان گفت خدا یا الهه مذکور می‌توانسته است ظاهری یونانی داشته باشد، ولی ماهیت آن مطمئناً تاحدی شرقی بوده است. معبد دوم در خارج دیوارهای شهر و نزدیک دروازه شمالی واقع شده است. این معبد نیز بی‌شباهت به معبد اولی نیست با این تفاوت که سه اتاق نیایش آن به جای يك ورودی به راهرو، دارای سه ورودی بوده است که خود راهرو در سمت چپ کاملاً منهدم گردیده است. معبد سوم نیز به همان شکل غیر یونانی ساخته شده است و عبارت است از يك سکوی بزرگ پله‌دار در گوشه جنوب غربی ارگ. منابع یونانی اذعان دارند که ایرانیان عادت داشتند در هوای آزاد و در مکان‌هایی که متناسب مقام رفیعشان ساخته شده بود، نیایش نمایند. این بنای مقدس که در ارگ یافت شده چنین طرح خاورمیانه‌ای را نشان می‌دهد. آن چه ما در هنگام شروع تجسس، در مورد آی خانم تصور می‌کردیم، با آن چه پس از ۱۵ سال به دستمان آمد، کاملاً متفاوت بود. هیچ يك از ما انتظار نداشت پایتختی چنین غنی و قدرتمند را در این گوشه دورافتاده آسیای مرکزی بیابد و هیچ يك از ما تصور نمی‌کردیم که از جهتی ساکنان یونانی این منطقه، در بسیاری جنبه‌ها این گونه تعصب داشته باشند و از جهتی دیگر این چنین، بی‌چون و چرا در موضوعاتی نظیر معماری و نیایش‌های مذهبی روش‌های شرقی را بپذیرند.

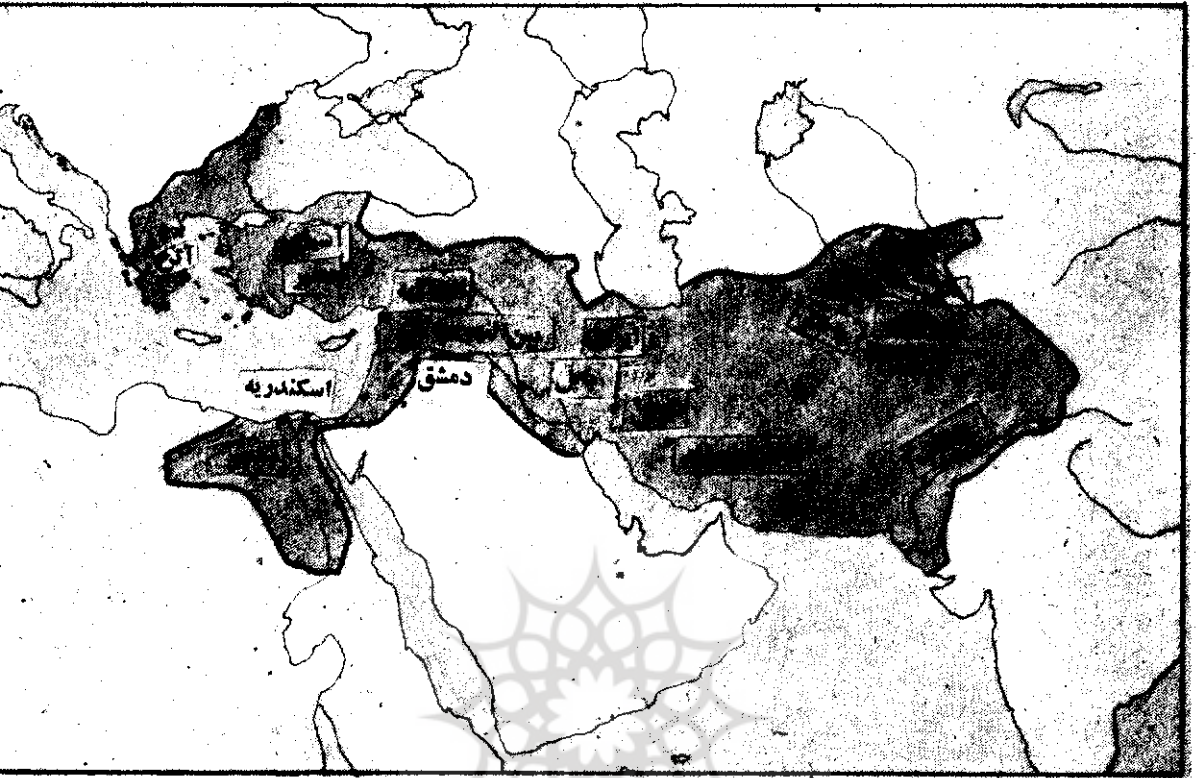
سدارك و شواهد دیگری در مورد فرهنگ قبل از دوران هلنیستی در آسیای مرکزی به دست آمده است، مانند کشفیاتی که در آلتین در اتحاد شوروی انجام شده که آن‌ها نیز کم‌کم به منصفه ظهور خواهد رسید. چنین یافته‌هایی همان نتیجه‌ای را داشته که ما از آی خانم به دست آورده‌ایم. و آن نتیجه این است که وقتی یونانیان به این قسمت از جهان رسیدند، این جا مهد تمدن تکامل یافته شهری بود با سنت‌های باستانی معمول در معماری. همان موقع که این مستعمره‌نشینان یونانی در ساحل آمودریا (جیوعون) می‌کوشیدند تا محتوی فرهنگی خویش را حفظ نمایند، ضمناً آماده می‌شدند تا درس‌هایی را که می‌توانستند، از تمدن محلی بیاموزند.



میتون

کوه کجی

METERS



میراث اسکندر یک امپراطوری یونانی بود که شامل آسیای صغیر و مصر می‌شد و از سمت شرق به رودخانه سند کشیده می‌شد. یکی از این مستعمره‌های یونانی، شهری بود به نام آی‌خانم که پس از فتوحات قبلی اسکندر در منطقه‌ای از ایران به نام باکتریانا مشرف به رودخانه آمودریا (جیحون) ساخته شده است. ابتدا قسمتی از این قلمرو تحت حکومت سلوکیان بود. باکتریانا خود در سال ۲۵۰ قبل از میلاد یک پادشاهی مستقل گردید.



شکل صفحه ۲۵۹

شکل شهر تقریباً حالت سه‌گوشه دارد که در محل برخورد آب‌های آمودریا و رودخانه کوکچسا قرار گرفته، یعنی جایی که یک ارگ طبیعی به ارتفاع ۶۰ متر بالاتر از بقیه دشت ساخته شده است. خیابان اصلی از دروازه شمالی به سمت پای برآمدگی که مشرف به ارگ می‌شود کشیده شده است. حصار قصر و بسیاری بناهای دیگر، منطقه منسطح بین خیابان و ساحل چپ جیحون را اشغال نموده‌اند. بخش خط‌کشی شده، حصار قصر (a)، سالن ورزش (زورخانه) (b)، تماشاخانه (c)، زرادخانه (d) یکی از محل‌های اقامت متعلق به افراد متشخص (e)، محوده ارگ (f)، سکوی معبدی که در هوای آزاد ساخته شده (g)، معبدی که در خیابان اصلی واقع شده (h) و معبدی که در خارج دروازه شمالی بنا گردیده (i) می‌باشد.